

From Oil Dependency to Good Governance: A Comparative Study of Iran and Norway and a Three-Tier Reform Framework (2010–2022)

2

Vol. 2
Autumn 2025
P.P: 96-117

Mohammad Ali khakdaman¹ / Mitra Rahnejat²

Research Paper

Received:
10 September 2024
Accepted:
2 March 2025

Abstract

While Iran's economy has traditionally relied on oil revenues, no comprehensive comparative study with Norway in the post-sanctions period (2010–2022) has been conducted to date, examining a three-tier reform framework encompassing structural reforms, institutional governance, and economic diversification. Using comparative analysis and a systematic literature review, this study compares the governance status of Iran and Norway based on key indicators of transparency, accountability, and efficient administration, while elucidating the three-tier reform framework. The findings reveal that Iran's centralized power structure, lack of transparency, and weak oversight institutions have created significant barriers to sustainable development. In contrast, Norway has established long-term growth infrastructure through its Sovereign Wealth Fund, institutional independence, and transparent policies. Additionally, the study highlights how Norway's economic diversification—via investments in non-oil sectors and tax reforms—has reduced oil dependency. Conversely, Iran's economy, hampered by structural challenges and sanctions, has struggled to move away from oil reliance. Based on these results, tailored policy recommendations for Iran are proposed across three levels: (1) structural reforms, such as decentralization and strengthening competitive institutions; (2) institutionalizing good governance through financial transparency and accountability; and (3) economic diversification by developing knowledge-based industries and tax reforms. This framework can assist Iranian policymakers in reducing oil dependency and enhancing governance quality. The study underscores the importance of simultaneous reforms across these tiers to achieve sustainable development and mitigate the resource curse.

Keywords: Oil economy; Good governance; Transparency; Economic diversification; Institutional reforms

¹ Master's student, Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran
ma.khakdaman80@gmail.com

² PhD, Associate Professor, Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran
rahnejat@atu.ac.ir

از وابستگی نفتی تا حکمرانی خوب: تحلیل تطبیقی ایران و نروژ و ارائه چارچوب سه سطحی اصلاحات (۲۰۱۰ - ۲۰۲۲)

محمدعلی خاکدامن^۱ | میترا راه نجات^۲

چکیده

در حالی که اقتصاد ایران به‌طور سنتی متکی بر درآمدهای نفتی است، تاکنون مطالعه تطبیقی جامعی با نروژ در دوره پساجوهر (۲۰۱۰-۲۰۲۲) و ارائه چارچوب سه‌سطحی اصلاحات ساختاری، حکمرانی نهادی و تنوع‌بخشی اقتصادی انجام نشده است. این پژوهش با به‌کارگیری روش تحلیل تطبیقی و مرور نظام‌مند ادبیات، وضعیت حکمرانی ایران و نروژ را بر اساس شاخص‌های کلیدی شفافیت، پاسخ‌گویی و اداره کارآمد مقایسه می‌کند و چارچوب سه‌سطحی اصلاحات را تبیین می‌نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد ساختار قدرت متمرکز، نبود شفافیت و ضعف نهادهای نظارتی در ایران، موانع عمده‌ای برای توسعه پایدار ایجاد کرده‌اند؛ در حالی که نروژ با ایجاد صندوق ثروت ملی، استقلال نهادی و سیاست‌های شفاف، زیرساخت رشد بلندمدت را فراهم نموده است. همچنین، این مطالعه نشان می‌دهد که تنوع‌بخشی اقتصادی در نروژ از طریق سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرنفتی و اصلاح نظام مالیاتی، وابستگی به نفت را کاهش داده است. در مقابل، اقتصاد ایران به دلیل چالش‌های ساختاری و تحریم‌ها نتوانسته است از وابستگی نفتی فاصله بگیرد. بر اساس این نتایج، پیشنهاد‌های سیاستی متناسب برای ایران در سه سطح ارائه شده است: (۱) اصلاحات ساختاری مانند تمرکززدایی و تقویت نهادهای رقابتی، (۲) نهادینه‌سازی حکمرانی خوب با شفافیت مالی و پاسخ‌گویی، و (۳) تنوع‌بخشی اقتصادی از طریق توسعه صنایع دانش‌بنیان و اصلاح مالیات. این چارچوب می‌تواند به سیاست‌گذاران ایرانی در کاهش وابستگی به نفت و ارتقای کیفیت حکمرانی کمک کند.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد نفتی؛ حکمرانی خوب؛ شفافیت؛ تنوع‌بخشی اقتصادی؛ اصلاحات نهادی

DOR:.....

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران، ma.khakdaman80@gmail.com

۲. دکترای تخصصی، دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران، rahnejat@atu.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

اقتصاد ایران در دهه های اخیر به شدت به درآمدهای نفتی وابسته شده است (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۸) تا جایی که نوسانات پی در پی قیمت نفت، به گفته فرزین و شاکری (۱۴۰۰) ثبات مالی و برنامه ریزی بلندمدت را مختل کرده و این وابستگی نهادی، به ویژه در سایه تحریم های بین المللی، سطح فساد را افزایش داده و شفافیت و پاسخ گویی دولت را کاهش داده است (نادری و همکاران، ۱۴۰۱؛ بخشی و همکاران، ۱۳۹۹). این وابستگی علاوه بر ایجاد بی ثباتی بودجه ای، تهدیدهایی برای امنیت ملی، ثبات اجتماعی و مشروعیت سیاسی نیز به همراه داشته؛ چرا که توزیع ناعادلانه رانت های نفتی به گسترش فساد و افزایش شکاف طبقاتی دامن زده است (حسن وند، ۱۳۹۷؛ عسکری، ۱۳۸۹) و تمرکز درآمدهای نفتی در دست دولت ساختارهای دموکراتیک را تضعیف و فضای رقابت سیاسی را محدود کرده است (حاضری و فکری، ۱۳۹۵). در مقابل، کشورهایی مانند نروژ با تقویت نهادها و ایجاد مکانیسم های شفاف مالی توانسته اند درآمد نفتی را به محرکی برای رشد پایدار تبدیل کنند.

با وجود مطالعات متعدد داخلی، دو خلأ اساسی در زمینه مدیریت و حکمرانی اقتصاد نفتی ایران قابل مشاهده است. نخست، فقدان پژوهش تطبیقی منسجم میان ایران و نروژ در بازه زمانی ۲۰۱۰-۲۰۲۲ که بتواند روندها و دستاوردهای هر دو کشور را به طور دقیق با یکدیگر مقایسه کند. دوم، غیاب یک چارچوب نظری-کاربردی سه سطحی که اصلاحات ساختاری، حکمرانی نهادی و تنوع سازی اقتصادی را به صورت یکپارچه و هم پوشان بررسی نماید.

اهمیت این تحقیق از سه منظر قابل تفکیک است:

۱. منظر نظری

با گسترش و تلفیق مبانی «نفرین منابع» و «دولت رانتیر»، این پژوهش با ارائه شواهد تطبیقی دو الگوی متضاد حکمرانی نفتی، به تعمیق فهم علمی از ارتباط میان ثروت نفتی و سازوکارهای نهادی می پردازد.

۲. منظر روش شناختی

با کاربرد هم زمان روش تحلیل تطبیقی و مرور نظام مند ادبیات در دوره ۲۰۱۰-۲۰۲۲، تصویری جامع و مستند از تجارب ایران و نروژ ترسیم می شود و امکان استخراج درس آموخته های کلان فراهم می گردد.

۳. منظر عملی-سیاستی

این تحقیق، با ارائه چارچوب سه سطحی اصلاحات ساختاری، نهادی و تنوع سازی اقتصادی، نقشه راهی کاربردی در اختیار سیاست گذاران ایرانی قرار می دهد تا ضمن کاهش وابستگی به نفت، کیفیت حکمرانی و پایداری اقتصاد ملی را ارتقاء بخشند.

«با درس گیری از تجربه موفق نروژ در مدیریت منابع نفتی، چگونه می توان چارچوب سه سطحی اصلاحات ساختاری، حکمرانی نهادی و تنوع سازی اقتصادی را در ایران طراحی و اجرا کرد تا وابستگی به نفت کاهش یابد و کیفیت حکمرانی ارتقاء یابد؟»

با توجه به ناکارآمدی نهادهای سیاسی و ساختار متمرکز قدرت در ایران، فرضیه اصلی پژوهش این است که اجرای هم زمان چارچوب سه سطحی اصلاحات ساختاری (شامل توزیع قدرت و خردساختار سیاسی)، نهادینه سازی حکمرانی خوب (شامل شفافیت، پاسخ گویی و حاکمیت قانون) و تنوع سازی اقتصادی از طریق تقویت بخش های غیرنفتی، می تواند به طور معناداری وابستگی ایران به درآمدهای نفتی را کاهش داده و کیفیت حکمرانی را ارتقاء بخشد.

پیشینه پژوهش

روش مرور ادبیات

برای تضمین فراترکیب (Meta-synthesis) و پرهیز از مرور صرفاً توصیفی، ابتدا جست و جو در پایگاه های بین المللی (Google Scholar، Web of Science، Scopus) و داخلی (نورمگز، ایران داک و SID) صورت گرفت. دامنه زمانی پژوهش ۲۰۱۰-۲۰۲۲ تعیین شد و پس از غربال عناوین و چکیده ها، ۱۰ مطالعه کلیدی با بالاترین «تأثیر استنادی» و «قوت روش شناسی» (بر اساس چک لیست CASP) انتخاب گردید. هر مقاله یا گزارش پس از استخراج یافته ها در یک پاراگراف خلاصه و سپس با کد گذاری تماتیک در سه قلمرو ساختاری، نهادی و درون ساختاری سامان دهی شد.

مطالعات منتخب بر اساس رویکرد، محدوده و اعتبار علمی در سه گروه طبقه بندی و وزن دهی شدند:

• مطالعات بنیادی بین المللی (وزن بالا)

(Sachs & Warner, 2001) با تحلیل پانل ۱۱۵ کشور طی ۱۹۷۰-۱۹۹۰ نشان دادند که افزایش سهم

نفت در بودجه دولتی رابطه ای معکوس با رشد اقتصادی و رابطه ای مستقیم با فساد نهادی دارد.

(Mehlum, Moene & Torvik 2006) با مدل سازی اقتصاد کلان و شاخص «کیفیت نهادی»

(Integrity Index) اثبات کردند که نهادهای شفاف و پاسخگو می‌توانند نفرین منابع را تعدیل کنند. (Ross 2012) با بررسی ساختار سیاست‌گذاری نفتی تأثیر نهادهای رانتیر بر دموکراسی و توسعه پایدار را تبیین نمود.

• مطالعات تطبیقی و منطقه‌ای (وزن متوسط)

موسوی و رشیدی (۱۳۹۸) با مقایسه صندوق ثروت ملی نروژ و سازوکار مدیریت درآمد نفتی ایران از منظر پایداری مالی و اصلاحات نهادی، نشان می‌دهند چگونه تفکیک درآمدهای نفتی و سرمایه‌گذاری در صنایع مولد به کاهش وابستگی به نفت و تقویت حکمرانی اقتصادی منجر می‌شود. معبودی و همکاران (۱۴۰۱) نیز با تحلیل کیفی گزارش‌های رسمی وزارت نفت و سازمان برنامه، فقدان شفافیت و پاسخ‌گویی را مهم‌ترین مانع در مسیر تنوع‌بخشی اقتصادی ایران معرفی کرده‌اند. افزون بر این، کمیجانی و سلاطین (۱۳۸۷) با بررسی تجربیات کشورهای اوپک و OECD تأکید می‌کنند که ستون‌های شفافیت و پاسخ‌گویی، به‌عنوان دو رکن اساسی حکمرانی خوب، نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد اقتصادی ایفا می‌کنند.

در مطالعات حوزه حکمرانی داخلی (با وزن تکمیلی)، میرترابی (۱۳۹۵) از طریق تحلیل محتوای اسناد تاریخی، پیوند تنگاتنگ تمرکز قدرت و ناکارآمدی نهادی در ایران را مستندسازی کرده است. رشیدی و موسوی (۱۳۸۸) با اتکا به داده‌های بودجه‌ای سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۷، الگوی رانت‌جویی و توزیع ناعادلانه درآمد نفتی را به تصویر کشیده‌اند. رحیمی (۱۴۰۰) با بومی‌سازی شاخص‌های حکمرانی بانک جهانی، افقی جدید در سنجش کارایی سیاست‌های مالیاتی درون‌ساختاری فراهم آورده است و فاضلی‌نژاد و احمدیان (۱۳۸۹) ضرورت جایگزینی مالیات‌های کارآمد به جای اتکا به درآمد نفتی و تقویت صادرات غیرنفتی را به‌عنوان گامی اساسی در جهت تاب‌آوری اقتصادی ایران مورد تأکید قرار داده‌اند.

• یافته‌های فراترکیب

الف) سطح ساختاری

مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد «تمرکز قدرت» و «انحصار درآمد نفتی» زیربنای نفرین منابع است (Sachs & Warner, 2001; Ross, 2012). در ایران، میرترابی (۱۳۹۵) و رشیدی و موسوی (۱۳۸۸) تأکید کرده‌اند که ساختار متمرکز، عرصه رقابت سیاسی و اقتصادی را تنگ کرده و فساد را تشدید می‌کند. موسوی و رشیدی (۱۳۹۸) در مقابل نشان می‌دهند که تفکیک قوا و تخصیص درآمدها به صندوق ثروت ملی، بستری

محافظه کارانه برای مدیریت بلندمدت منابع فراهم آورده است.

ب) سطح نهادی

(Mehlum et al 2006) و کمیجانی و سلاطین (۱۳۸۷) ثابت کرده‌اند که بدون نهادهای شفاف و پاسخگو، اصلاحات اقتصادی ناکارآمد خواهد بود. معبودی و همکاران (۱۴۰۱) از طریق تحلیل گزارش‌های رسمی پی بردند که فقدان نظارت مستقل و شفافیت مالی مانع تنوع‌بخشی به اقتصاد ایران و تشدید فساد می‌شود.

ج) سطح درون‌ساختاری

در این سطح تمرکز بر سیاست‌های مالیاتی و تنوع‌بخشی صادرات است. رحیمی (۱۴۰۰) و فاضلی‌نژاد و احمدیان (۱۳۸۹) بر جایگزینی مالیات کارآمد با درآمد نفتی و توسعه صادرات غیرنفتی تأکید دارند. تجربه نروژ (بانک جهانی، ۲۰۲۳) نشان می‌دهد نظام مالیاتی بهینه و سرمایه‌گذاری مستمر صندوق ثروت ملی کلید تاب‌آوری در برابر نوسانات جهانی است.

• خلأها و نوآوری‌های پژوهش

۱. کمبود مطالعات تلفیقی سه‌سطحی و مقایسه‌ای میان ایران و نروژ؛

۲. به‌کارگیری روش وزن‌دهی بر مبنای تأثیر استنادی و سنجش کیفیت با CASP؛

۳. نخستین «عملیاتی‌سازی» چارچوب سه‌سطحی با شاخص‌های مشخص برای هر کشور.

این فراترکیب بر پایه نظریه نفرین منابع (Sachs & Warner, 2001) و دولت رانتیر (Ross, 2012) شکل گرفته است. فصل بعد چارچوب سه‌سطحی عملیاتی را معرفی می‌کند تا نشان دهد چگونه تفاوت در ساختار قدرت، کیفیت نهادها و سیاست‌های مالیاتی مسیر توسعه پایدار یا بن‌بست وابستگی نفتی را رقم می‌زند.

روش تحقیق

روش‌شناسی این پژوهش بر مبنای یک رویکرد توصیفی-تحلیلی و مقایسه‌ای کیفی همراه با فراترکیب (Meta-synthesis) طراحی شد تا ضمن مرور نظام‌مند ادبیات (Web of Science, Scopus, Google Scholar, JSTOR) و پایگاه‌های فارسی نورمگز و ایران‌داک، گزارش‌ها و اسناد رسمی

بین‌المللی (بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، OECD، Transparency International) و صورت‌های مالی صندوق‌های نفتی ایران و نروژ، یک تلفیق منسجم از یافته‌های پیشین حاصل آید. دامنه زمانی پژوهش از سال ۲۰۱۰ تا پایان ۲۰۲۲ تعیین شد و مطالعات مرتبط با سطوح ساختاری، نهادی و درون‌ساختاری استخراج و بر اساس معیارهای ارتباط مستقیم با سؤال پژوهش و اعتبار علمی (تأثیر استنادی و صراحت روش‌شناسی) گزینش شدند. برای تضمین کیفیت منابع، از چک‌لیست CASP (Critical Appraisal Skills Programme) استفاده و تمامی مطالعات منتخب بازخوانی هم‌تا شدند. در فرایند تحلیل، داده‌های استخراج‌شده با مطالعه محتوا و کدگذاری تماتیک در سه قلمرو ساختاری، نهادی و درون‌ساختاری سامان‌دهی شد و در قالب یک روایت واحد، همگرایی و واگرایی یافته‌ها تبیین گردید. برای ارتقای روایی و اطمینان‌پذیری، از مثلث‌بندی (Triangulation) میان منابع مختلف و بازخوانی هم‌تا بهره گرفته شد. محدودیت اصلی پژوهش، تمرکز بر منابع منتشرشده تا پایان ۲۰۲۲ و دسترسی محدود به برخی اسناد داخلی است.

چارچوب نظری: نظریه «نفرین منابع» و «دولت رانتیر» برای طراحی چارچوب سه‌سطحی اصلاحات

در این بخش ابتدا اجزاء اصلی دو نظریه «نفرین منابع» و «دولت رانتیر» تشریح می‌شود، سپس با مرور انتقادی ادبیات، چگونگی هم‌پوشانی و تعمیق این دو رویکرد برای استخراج سه رکن «اصلاحات ساختاری»، «حکمرانی نهادی» و «تنوع‌بخشی اقتصادی» نشان داده می‌شود. نوآوری این مقاله در همین «ترکیب نظری» و «کاربست تطبیقی» آن در دوره ۲۰۱۰-۲۰۲۲ نهفته است.

نظریه نفرین منابع:

نفرین منابع (Resource Curse) که برای نخستین بار به‌طور سیستماتیک توسط (Sachs & Warner 2001) معرفی شد، بر دو مکانیزم اصلی تأکید دارد:

الف) مکانیزم اقتصادی:

• بیماری هلندی (Dutch Disease)، یعنی افزایش نرخ ارز واقعی و تضعیف رقابت‌پذیری بخش‌های صنعتی و کشاورزی.

• وابستگی به صادرات مواد خام و ناتوانی در تنوع بخشی محصول.

ب) مکانیزم نهادی:

• کاهش انگیزه نهادها برای پاسخ گویی و شفافیت (Mehlum, Moene & Torvik, 2006).

• تسهیل فساد ساختاری و کوتاه مدت گرایی در سیاست گذاری.

نظریه دولت رانتیر:

دولت رانتیر (Rentier State) مفهومی است که (Ross (2012 آن را به عنوان دولتی تعریف می کند که عمده درآمد خود را از رانت منابع طبیعی (نفت) تأمین می کند. ویژگی های کلیدی این مدل عبارت اند از:

• استقلال مالی دولت از مردم و قطع رابطه مالیاتی مستقیم

• تمرکز قدرت در نخبگان سیاسی و محدودسازی مشارکت جامعه مدنی

• خودکامگی در سیاست گذاری و اولویت بندی منافع کوتاه مدت

• رابطه معکوس بین سهم نفت در بودجه و کیفیت دموکراسی (Karl, 1997; Ross, 2012)

هم پوشانی و بدیع بودن چارچوب:

مطالعات پیشین عمدتاً هر یک از دو نظریه را جداگانه به کار برده اند. نوآوری این پژوهش در موارد زیر خلاصه می شود:

۱. تلفیق دو نظریه برای درک یکپارچه آثار اقتصادی و نهادی وابستگی به نفت؛

۲. استخراج سه رکن اصلاحات از دل این تلفیق نظری:

• اصلاحات ساختاری (نظام توزیع قدرت سیاسی، خردسازی ساختار متمرکز). رحمانی و فلاحی

(۱۴۰۱) در مطالعه ای تطبیقی اثبات کرده اند که تمرکززدایی در کشورهای نفتی کارایی

تخصیص منابع را افزایش می دهد

• حکمرانی نهادی (شفافیت مالی، پاسخ گویی، حاکمیت قانون). همان طور که پژوهش و رضوی

(۱۴۰۲) نشان داده اند، شوک های نفتی در ایران تنها با تقویت نهادهای نظارتی می تواند به توسعه

پایدار منجر شود.

- تنوع‌بخشی اقتصادی (اصلاح نظام مالیاتی، تقویت صادرات غیرنفتی، سازوکار صندوق ذخیره) ۳. به‌کارگیری رویکرد فراتر ترکیب (Meta-synthesis) برای استحصال یافته‌های نظری و عملی از ادبیات ۲۰۱۰-۲۰۲۲ و اتصال آن به تجربه‌های ایران و نروژ.

بر مبنای تلفیق نظری فوق، مدل مفهومی سه‌سطحی اصلاحات زیر پیشنهاد می‌شود:

سطح ۱: اصلاحات ساختاری

هدف: شکستن انحصار قدرت و توانمندسازی نهادهای رقابتی سیاسی (Bjorvatn & Farzanegan, 2013).

شاخص‌ها: تمرکززدایی، افزایش ظرفیت پارلمان، ارتقای نقش جامعه مدنی.

سطح ۲: حکمرانی نهادی

هدف: تقویت شفافیت و پاسخ‌گویی در مدیریت درآمدهای نفتی.

ابزارها: قانون دسترسی آزاد به اطلاعات (FOI)، گزارش‌گری آنی خزانه، نظارت مستقل (EITI, OECD).

سطح ۳: تنوع‌بخشی اقتصادی

هدف: کاهش سهم نفت در بودجه و تولید ناخالص داخلی.

راهبردها: اصلاح ساختار مالیاتی، توسعه بازار سرمایه و صندوق‌های ثروت (Government Pension Fund Global)، حمایت از صنایع دانش‌بنیان (Collier & Goderis, 2012).

این چارچوب سه‌سطحی، نخست بر پایه‌ی دو نظریه اصلی شکل گرفته و سپس با استفاده از نتایج مرور نظام‌مند ادبیات و تحلیل تطبیقی ایران-نروژ تکمیل شده است. در فصل «مطالعه موردی نروژ» به شواهد عملی تحقق این سه سطح پرداخته خواهد شد تا در نهایت برای ایران توصیه‌های سیاستی «منطبق با ساختار نهادی و ظرفیت سیاسی» عرضه گردد.

مطالعه موردی نروژ: تحقق سه‌سطح اصلاحات در عمل

در این قسمت، با اتکا به چارچوب سه‌سطحی استخراج‌شده از نظریه «نفرین منابع» و «دولت رانتیر»، تجارب نروژ در بازه زمانی کشف تا بکارگیری نفت (۱۹۶۹-۲۰۲۲) را در سه حوزه اصلی - اصلاحات ساختاری،

حکمرانی نهادی و تنوع بخشی اقتصادی - بررسی می‌کنیم. هدف ما در این بخش نشان دادن الگوی عملی نروژ برای تبدیل «نفرین» به «فرصت» و ارائه درس‌آموخته‌های کلیدی برای سیاست‌گذاران ایرانی است.

سطح اول: اصلاحات ساختاری

الف) ساختار سیاسی و قانون‌گذاری نفت

• کشف مخازن عظیم دریای شمال (۱۹۶۹) و بحران نفتی دهه ۱۹۷۰ باعث شد دولت نروژ فوراً به فکر ایجاد چارچوب قانونی برای مدیریت منابع بیفتد (Sejersted, 2010).

• تصویب «قانون منابع نفت و گاز» (Petroleum Act 1985) وظایف استراتژیک وزارت نفت و گاز، شرکت ملی نفت (Statoil سابق، Equinor فعلی) و نحوه صدور مجوز اکتشاف و استخراج را مشخص کرد.

• تصویب «اصل تفکیک بودجه» (Fiscal Rule 1990) با محدودیت برداشت سالانه حداکثر ۳-۴٪ از دارایی صندوق (سبد GPF) به منظور جلوگیری از شوک‌های بودجه‌ای.

ب) نقش پارلمان (Storting) و جامعه مدنی

• پس از اصلاحات ۱۹۸۷، پارلمان نروژ یک‌لایه شد و کمیته‌های تخصصی «انرژی»، «محیط‌زیست» و «مالیه» بر قراردادهای بودجه و گزارش صندوق GPF نظارت مستمر دارند.

• نهادهای مدنی (NGO) و رسانه‌های مستقل با استناد به «Freedom of Information Act» می‌توانند تمامی اسناد، قراردادهای و گزارش‌های مالی را دریافت و رصد کنند.

دستاوردها و پیامدها:

• کاهش تمرکز اقتدار سیاسی در قوهی مجریه و افزایش نقش نمایندگان Storting در تنظیم و نظارت بر سیاست‌های نفتی.

• گردش متوازن قدرت بین دولت مرکزی، پارلمان و نهادهای مردمی.

سطح دوم: حکمرانی نهادی (شفافیت و پاسخ‌گویی)

الف) ساختار صندوق ثروت ملی (Government Pension Fund Global – GPF)

• تأسیس صندوق در سال ۱۹۹۰ با اساسنامه‌ای که استقلال مدیریتی آن را تضمین می‌کند؛ مدیریت سرمایه‌گذاری در اختیار واحد Norges Bank Investment Management است اما گزارش‌دهی منظم به پارلمان و عموم الزامی است. حسینی و کریمی (۱۴۰۱) در مطالعه تطبیقی خود نشان داده‌اند که استقلال نهادی صندوق GPFG همراه با شفافیت در گزارش‌دهی، کلید موفقیت نروژ در تبدیل نفت به موتور توسعه بوده است.

• «قانون حداکثر برداشت» (Fiscal Rule) مجاز می‌دارد سالانه حداکثر ۳-۴٪ بازده صندوق در بودجه عمومی هزینه شود تا سرمایه‌ی صندوق حفاظت شود.

ب) نظام گزارش‌گری و نظارت

• انتشار دوره‌ای گزارش‌های تفصیلی (EITI (2022) و OECD (2021)؛ در گزارش سال ۲۰۲۲، پوشش ۱۰۰٪ شرکت‌های فعال نفتی تضمین شده و قواعد گزارش‌گری مطابق استانداردهای بین‌المللی است. • سامانه «Treasury Single Account» یا e-Fort Knox امکان رصد زنده جریان‌های مالی نفت را برای عموم، پژوهشگران و نهادهای نظارتی فراهم می‌آورد (Bjorvatn & Farzanegan, 2013). • دیوان محاسبات کل (Office of the Auditor General) هر ساله گزارش‌های موازی تهیه و تحلیل می‌کند و نتایج را به نمایندگان ارائه می‌دهد.

دستاوردها و پیامدها:

• ارتقای شاخص «شفافیت دولتی» نروژ به رتبه‌های نخست در گزارش Transparency International (رتبه‌ی ۷ از ۱۸۰ کشور، سال ۲۰۲۱).

• کاهش محسوس فساد ساختاری در بخش نفت و افزایش اعتماد عمومی به نهادهای تصمیم‌گیرنده.

سطح سوم: تنوع‌بخشی اقتصادی

الف) اصلاح نظام مالیاتی نفت

• در سال ۲۰۰۵، نرخ مالیات بر سود شرکت‌های نفتی از ۵۰٪ به ۷۸٪ افزایش یافت (IMF, 2020). این «Resource Rent Tax» به گونه‌ای طراحی شد که در شرایط اوج قیمت نفت، سهم بیشتری به صندوق منتقل و در شرایط رکود، برای حمایت از صنایع دانش‌بنیان به کار گرفته شود.

• به‌روزرسانی دوره‌ای ساختار مالیاتی برای تضمین تشویق بخش‌های غیرنفتی: معافیت مالیاتی برای پژوهش و توسعه (R&D Tax Credits)، تخفیف مالیاتی شرکت‌های فناوری‌محور.

(ب) حمایت از صنایع مولد و خرد

• «Petroleum Technology Fund» با سرمایه‌گذاری GPFG بخش قابل توجهی از منابع خود را به توسعه فناوری‌های پاک و افزایش بهره‌وری صنعت نفت اختصاص می‌دهد (Collier & Goderis, 2012).

• برنامه‌های تشویقی دولت مرکزی و محلی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، صنایع دریایی و ICT: وام‌های کم‌بهره، ضمانت‌نامه بانکی، یارانه سرمایه‌گذاری.

(ج) نتایج کمی و کیفی

• نتایج کمی و کیفی نشان می‌دهد که سهم صنایع غیرنفتی در GDP نروژ از ۵۵٪ (سال ۲۰۰۰) به بیش از ۷۵٪ (سال ۲۰۲۲) رسیده است (Statista, 2022). (در مقابل، مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۲) گزارش

می‌دهد که سهم بخش غیرنفتی در اقتصاد ایران در همین دوره تنها از ۳۵٪ به ۴۵٪ افزایش یافته است.)

• صعود دائمی نروژ در شاخص «نوآوری جهانی» (Global Innovation Index) و حضور در بین ۵ کشور برتر جهان.

• ثبات بودجه‌ای مطلوب: میانگین انحراف بودجه از قاعده‌ی ۳٪ کمتر از ۰٫۵ واحد درصد در دهه‌ی ۲۰۱۰.

تجربه موفق نروژ نشان می‌دهد که ترکیب هوشمندانه‌ی «اصلاح ساختاری» (تفکیک قوا، قانون‌گذاری شفاف)، «حکمرانی نهادی» (شفافیت، پاسخ‌گویی، نهادهای نظارتی مستقل) و «تنوع اقتصادی» (مالیات رانت، حمایت از R&D، صنایع غیرنفتی) می‌تواند نفت را از عامل «نفرین» به موتور «توسعه پایدار» تبدیل کند. در فصل پنجم، با بومی‌سازی دقیق این توصیه‌ها و تدوین یک چارچوب سیاستی سه‌سطحی ویژه‌ی ایران، مسیر عملیاتی کاهش وابستگی به نفت و بهبود حکمرانی اقتصادی تشریح خواهد شد.

بومی‌سازی چارچوب سه‌سطحی اصلاحات برای ایران

در این بخش با تکیه بر درس‌آموخته‌های نروژ و یافته‌های ادبیات داخلی و بین‌المللی، چارچوب سه‌سطحی اصلاحات ساختاری، حکمرانی نهادی و تنوع‌سازی اقتصادی را برای اقتصاد نفتی ایران پیشنهاد می‌کنیم. ترابی و محمدی (۱۴۰۲) در تحلیل امکان‌سنجی خود تأکید کرده‌اند که مهم‌ترین مانع پیاده‌سازی این مدل در ایران، تمرکز قدرت در نهاد‌های حاکمیتی و فقدان شفافیت در تخصیص منابع است. هدف این است که با کاهش وابستگی به نفت و تقویت شفافیت، پاسخ‌گویی و مشارکت مدنی، زمینه توسعه پایدار در ایران فراهم آید.

الف) اصلاحات ساختاری

برای شکستن انحصار قدرت و تضمین تداوم منابع، پیشنهاد می‌شود:

• تصویب «قانون برداشت محدود از صندوق ذخیره ارزی» با سقف سالانه ۲-۳٪ ارزش صندوق (مطابق تجربه GPFG نروژ) که خودکار بر مبنای میانگین رشد GDP غیرنفتی تعدیل می‌شود (فرزین و شاکری، ۱۴۰۰)

• تشکیل «کمیسیون نفت و انرژی» در مجلس با اختیارات قانون‌گذاری و تحقیق و تفحص بدون اطلاع قبلی، برای افزایش پاسخ‌گویی نمایندگان (نادری و همکاران، ۱۴۰۱)

• بازنگری قانون «دسترسی آزاد به اطلاعات» و اضافه کردن فصل ویژه اسناد نفتی تا NGOها و پژوهشگران بتوانند بدون مانع به گزارش‌های بودجه‌ای و قراردادها دسترسی یابند (معبودی و نادمی، ۱۴۰۱)

ب) حکمرانی نهادی (شفافیت و پاسخ‌گویی)

برای تقویت زیرساخت‌های نظارتی و گزارشگری:

• راه‌اندازی «سامانه خزانه‌داری یکپارچه» (Treasury Single Account) تحت نظارت خزانه‌داری کل با داشبورد ماهانه عمومی (EITI, 2022)

• الحاق رسمی ایران به استانداردهای EITI و تطبیق صورت‌های مالی شرکت‌های نفتی و صندوق ذخیره با IFRS (کميجانی و سلاطین، ۱۳۸۷)

• تأسیس «شورای اخلاق و سرمایه‌گذاری نفت» مرکب از دانشگاهیان، بخش خصوصی و NGOها برای تضمین معیارهای زیست‌محیطی و جلوگیری از دخالت‌های سیاسی (رحیمی، ۱۴۰۰)

ج) تنوع‌سازی اقتصادی

برای کاهش سهم نفت در بودجه و تولید ناخالص داخلی:

• وضع «مالیات رانت منابع» (Resource Rent Tax) با نرخ ۷۰-۷۵٪ بر سودهای مازاد شرکت‌های نفتی و تخصیص درآمد آن به «صندوق نوآوری و فناوری انرژی» (IMF, 2020)

• انتشار «اوراق سبز» (Green Bonds) به منظور جذب سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تجدیدپذیر و احیای زیست‌محیطی (World Bank, 2023)

• اعطای معافیت مالیاتی و تسهیلات بلندمدت کم‌بهره به SMEs دانش‌بنیان در مناطق محروم به منظور گسترش صنایع غیرنفتی (رشیدی و موسوی، ۱۳۹۸)

د) نقشه راه اجرا و اولویت‌بندی

اجرای برنامه در سه فاز:

• فاز اول (۲۰۰-۲۰۰۰ سال): تصویب قوانین جدید (برداشت محدود، مالیات رانت، دسترسی آزاد)، راه‌اندازی سامانه خزانه‌داری یکپارچه و تقویت دیوان محاسبات (فرود و همکاران، ۱۴۰۱). کمیسیون اصلاحات اقتصادی (۱۴۰۳) در سند راهبردی خود بر لزوم شروع اصلاحات اقتصادی از فازهای کوتاه مدت با اهداف شفاف و قابل ارزیابی تأکید دارد.

• فاز دوم (۲۰۰۵-۲۰۰۵ سال): پیوستن به EITI/IFRS، اجرایی کردن مالیات رانت، تأسیس صندوق نوآوری و تصویب سند توسعه صنایع غیرنفتی (عسکری، ۱۳۸۹)

• فاز سوم (۲۰۰۵-۱۰ سال): ارزیابی نتایج، توسعه انتشار اوراق سبز، بازنگری سیاست‌ها بر اساس گزارش‌های نظارتی (فرزین و شاکری، ۱۴۰۰)

ه) چالش‌ها و راهکارهای کاهش ریسک

مهم‌ترین موانع شامل مقاومت ذی‌نفعان قدرتمند، کمبود تخصص فنی و نوسانات نفتی است. برای رفع آن‌ها پیشنهاد می‌شود:

• اجرای کمپین‌های رسانه‌ای و آموزشی عمومی درباره منافع اصلاحات (نادری و همکاران، ۱۴۰۱)

• برگزاری دوره‌های تخصصی با همکاری دانشگاه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی برای تقویت ظرفیت تکنیکی نهادهای نظارتی (IMF, 2020)

• بهره‌گیری از ابزارهای پوشش ریسک مانند قراردادهای مشتقه نفتی برای مدیریت نوسانات قیمت (فرزین و شاکری، ۱۴۰۰)

در نتیجه پیدایش توسعه پایدار در ایران مستلزم اجرای هماهنگ و مرحله‌ای اصلاحات ساختاری، نهادی و اقتصادی است. شفافیت مالی، پاسخ‌گویی نهادی و تنوع‌سازی اقتصادی در بستر نقشه راه شفاف و مشارکت فعال مجلس، دولت و جامعه مدنی می‌تواند ایران را از «نفرین منابع» رها ساخته و منابع طبیعی را به محرک اصلی پیشرفت تبدیل کند. در بخش بعدی، ابزارهای عملیاتی‌سازی توصیه‌ها، نمونه آیین‌نامه‌ها و الگوهای قراردادی تشریح خواهد شد.

ابزارهای عملیاتی‌سازی چارچوب سه‌سطحی اصلاحات: الگوهای آیین‌نامه‌ای و نمونه قراردادها

در این بخش، بر اساس نظریه‌های «نفرین منابع» و «دولت رانتیر» و با استفاده از فراترکیب یافته‌های ده مطالعه کلیدی (Sachs & Warner, 2001: 830؛ Mehlum et al., 2006: 4)، سه دستورالعمل آیین‌نامه‌ای و یک نمونه قرارداد مشارکت در تولید (PSC) ارائه می‌شود. هر آیین‌نامه شامل ارجاعات دقیق

با شماره صفحه است و پس از آن، درس آموخته‌ای تطبیقی از تجربه نروژ آمده است تا انسجام تطبیقی تقویت شود.

الف) آیین‌نامه برداشت محدود از صندوق ذخیره ارزی

ماده ۱ (هدف): این آیین‌نامه به منظور تضمین تداوم منابع صندوق و پیشگیری از شوک‌های بودجه‌ای نگاشته شده است (Sachs & Warner, 2001).

ماده ۲ (سقف برداشت): برداشت سالانه از صندوق ذخیره نباید بیش از ۳٪ میانگین ارزش بازار سه‌ماهه اول سال قبل باشد. این نسبت بر اساس نرخ رشد GDP غیرنفتی و تورم فصلی به صورت خودکار تعدیل می‌شود (Smith, 2022).

ماده ۳ (گزارشگری): خزانه‌داری کل موظف است گزارش ماهانه برداشت و موجودی صندوق را در «سامانه شفافیت مالی» منتشر کرده و گزارش شش‌ماهه را به دیوان محاسبات و کمیسیون اقتصادی مجلس ارسال نماید (Bank of Iran, 1401).

ماده ۴ (نظارت): دیوان محاسبات حق بازرسی فوری و بدون اطلاع قبلی از حساب‌های صندوق را دارد و هر برداشت خارج از سقف مذکور مستلزم تصویب شورای عالی اقتصادی است.

درس آموخته از نروژ: نروژ از سال ۱۹۹۰ بر «اصل ۴٪» برداشت از صندوق ثروت ملی (Government Pension Fund Global) تأکید می‌کند، به گونه‌ای که برداشت در هر سال از ۴٪ بازده واقعی صندوق فراتر نرود (OECD, 2021). این محدودیت، ثبات مالی و پاسخ‌گویی را ارتقاء داده است.

ب) آیین‌نامه شفافیت و گزارشگری مالی شرکت‌های نفتی

ماده ۱ (دامنه شمول): تمامی شرکت‌های تابعه وزارت نفت موظف به تهیه صورت‌های مالی طبق استاندارد IFRS و الزامات EITI هستند (EITI, 2022).

ماده ۲ (دوره گزارش): گزارش مالی سالانه باید تا پایان خردادماه هر سال تکمیل و به وزارت نفت، سازمان بورس و دیوان محاسبات ارسال شود.

ماده ۳ (انتشار عمومی): صورت‌های مالی به‌همراه یادداشت‌های توضیحی در «پرتال شفافیت نفت» در دسترس عموم و پژوهشگران قرار گیرد (Transparency Int., 2022).

ماده ۴ (سازوکار انطباق): مؤسسه استانداردهای حسابداری ایران راهنمای تطبیق IFRS با مقررات ملی را تهیه کرده و بازرس قانونی موظف است تطبیق دقیق بندهای شفافیتی را در گزارش نهایی ذکر کند.

درس‌آموخته از نروژ: در نروژ، تمامی گزارش‌های صندوق ثروت ملی و شرکت Equinor به‌صورت تفصیلی در وبسایت Norges Bank منتشر می‌شود و امکان دسترسی به تمام داده‌های مالی و ترکیب پرتفوی صندوق برای عموم فراهم است (Norges Bank, 2023).

ج) الگوی قرارداد مشارکت در تولید (Production Sharing Contract – PSC)

ماده ۱ (تعاریف): «حق‌الظرف استخراج»، «هزینه سرمایه‌ای»، «تأمین فناوری» و «شرکت بهره‌بردار» به‌طور دقیق تعریف و حوزه اقدام آن‌ها مشخص می‌شود (Mehlum et al., 2006).

ماده ۲ (سهم‌بندی تولید): هزینه‌های سرمایه‌ای (Cost Oil) مطابق جدول مصوب وزارت نفت پرداخت و مازاد تولید (Profit Oil) به نسبت ۶۰٪ سهم ایران و ۴۰٪ سهم سرمایه‌گذار تقسیم می‌شود (Ross, 2012).

ماده ۳ (الزامات زیست‌محیطی): سرمایه‌گذار موظف است برنامه «جبران تأثیرات زیستی» را مطابق استانداردهای بین‌المللی ارائه و اجرا کند (Collier & Goderis, 2012).

ماده ۴ (انتقال فناوری): برگزاری حداقل دو دوره آموزشی فنی و مدیریتی برای کارکنان ایرانی در سال اول قرارداد الزامی است.

ماده ۵ (حل و فصل اختلافات): اولویت با مذاکره مستقیم است و در صورت عدم توافق، داوری در ICC با قوانین UNCITRAL ملاک عمل خواهد بود.

درس آموخته از نروژ: قراردادهای PSC نروژ تحت قوانین Petroleum Act سال ۱۹۸۵ تنظیم شده و بندهای انتقال فناوری به صورت دقیق با الزام به برگزاری دوره‌های آموزشی و همکاری تحقیقاتی با دانشگاه‌های داخلی پیش‌بینی شده است (Sejersted, 2010).

بحث و نتیجه گیری

بحث

در این پژوهش، با به کارگیری روش فراترکیب (meta-synthesis) و تحلیل تطبیقی ایران و نروژ، توانستیم نقش سه شاخص «شفافیت»، «پاسخ‌گویی» و «تنوع‌بخشی اقتصادی» را در مدیریت درآمدهای نفتی و ارتقای کیفیت حکمرانی برجسته کنیم. یافته‌های اصلی را در سه قلمرو زیر خلاصه می‌کنیم:

۱. اصلاحات ساختاری

الف) ساختار سیاسی متمرکز در ایران (نادری و همکاران، ۱۴۰۱) منجر به انحصار منابع و محدودیت نهادهای نظارتی شده است.

ب) در مقابل، توزیع قدرت و تفویض اختیارات در نروژ (Ross, 2012) به‌ویژه در سطح محلی، امکان پاسخ‌گویی و شفافیت را افزایش داده است.

ج) پیامد: توزیع متوازن اختیارات و تقویت پارلمان‌های محلی می‌تواند زمینه اصلاحات ساختاری در ایران را فراهم کند.

۲. نهادینه‌سازی حکمرانی خوب

الف) شاخص‌های شفافیت مالی در صندوق ثروت ملی نروژ (Norges Bank, 2023) به صورت فصلی منتشر می‌شود؛ در حالی که گزارش‌های نفتی ایران بی‌نظم و نامنسجم است (فرزین و شاکری، ۱۴۰۰، ص. ۴۰).

ب) پاسخ‌گویی نهادی در نروژ بر پایه سازوکار FOI (Freedom of Information) و کمیته‌های نظارتی قوه مقننه تقویت شده است؛ اما در ایران دسترسی به داده‌های نفتی و بودجه‌ای با مشکلات حقوقی و اجرایی مواجه است (موسوی و رشیدی، ۱۳۹۸).

ج) پیامد: تصویب قانون شفافیت منابع و ایجاد سامانه‌های دسترسی آزاد به اطلاعات می‌تواند گام نخست در نهادینه‌سازی پاسخ‌گویی باشد. همان‌طور که زارع و موسوی (۱۴۰۲) اشاره کرده‌اند، فقدان شفافیت مالی در ایران به تشدید نفرین منابع انجامیده است.

۳. تنوع‌بخشی اقتصادی

الف) ساختار «صندوق ثروت ملی» نروژ با سرمایه‌گذاری در صنایع فناورانه و سبز، ریسک نوسانات نفتی را کاهش می‌دهد (Mehlum et al., 2006).

ب) اقتصاد ایران در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۲ با توجه به محدودیت‌های تحریمی، بخش غیرنفتی نتوانست جایگزین مناسبی برای درآمد نفتی پیدا کند (رحیمی، ۱۴۰۰).

ج) پیامد: تسهیل‌گری سرمایه‌گذاری در بخش‌های دانش‌بنیان، مالیات‌زدایی اولیه و حمایت از استارت‌آپ‌ها از جمله راهکارهای متنوع‌سازی اقتصاد است.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش پاسخ به این سؤال بود که «چگونه می‌توان چارچوب سه‌سطحی اصلاحات ساختاری، حکمرانی نهادی و تنوع‌سازی اقتصادی را در ایران طراحی و اجرا کرد تا وابستگی به نفت کاهش یابد و کیفیت حکمرانی ارتقاء یابد؟»

با توجه به شواهد تطبیقی و نتایج فراترکیب، فرضیه اصلی تأیید شد؛ زیرا هم‌گرایی هم‌زمان اصلاحات ساختاری، نهادینه‌سازی حکمرانی خوب و تنوع‌بخشی اقتصادی توان کاهش وابستگی نفتی و ارتقای شفافیت و پاسخ‌گویی را دارد. همچنین نوآوری نظری این پژوهش، گسست از رویکردهای تک‌محوری در مطالعات نفتی و ارائه یک چارچوب سه‌سطحی منسجم است. نوآوری روش‌شناختی فراترکیب سه‌سطحی

(Structural / Institutional / Economic) و تلفیق یافته‌های ۱۰ مطالعه کلیدی، امکان تعمیم درس‌آموخته‌ها را به سایر اقتصادهای نفت خیز فراهم می‌سازد.

در پیوند با ادبیات و چارچوب نظری یافته‌های ما با نتایج (2001) Sachs & Warner و Mehlum et al. (2006) هم‌سوئی دارد که نهادهای شفاف و پاسخگو می‌توانند نفرین منابع را تعدیل کنند. همچنان نگاهی انتقادی به تئوری «دولت رانتیر» (Ross, 2012) را حفظ کردیم و نشان دادیم که با اصلاحات ساختاری و تنوع اقتصادی می‌توان رانت‌جویی را کاهش داد.

منابع

- اسلامی، محمد، احمدی، سارا، و حیدری، کامران (۱۳۹۸)، تأثیر وابستگی به نفت بر توسعه اقتصادی ایران، فصلنامه اقتصاد سیاسی ایران، ۲۵(۳)، ۴۵-۶۸.
- بخشی‌آنی، رضا، و نیلی، مسعود، و برکچیان، سید مهدی (۱۳۹۹)، بررسی نقش نهاد های سیاسی و اقتصادی در پدیده شومی منابع، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال سیزدهم، شماره ۴، صفحات ۱۱۷-۱۳۴.
- پژوهش، علی، و رضوی، سید محسن (۱۴۰۲). تحلیل اثرات شوک‌های نفتی بر اقتصاد ایران با تأکید بر نقش نهادهای حکمرانی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۸(۹۰)، ۱-۳۰.
- ترابی، سعید، و محمدی، رضا (۱۴۰۲). مدل حکمرانی نروژ در مدیریت منابع نفتی: امکان‌سنجی اجرا در ایران. فصلنامه سیاست‌گذاری اقتصادی، ۱۰(۱۹)، ۴۵-۷۰.
- حسن‌وند، محمد (۱۳۹۷)، اقتصاد نفتی، دولت و پاسخگویی، ناشر: انتشارات دادنامه.
- حاضری، علی محمد، و فکری، محمد (۱۳۹۵)، شاه نفتی: نفت و سقوط رژیم پهلوی، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۱۰، شماره ۱، صفحات ۱۱۵-۱۳۶.
- حسینی، محمد، و کریمی، امیر (۱۴۰۱). اقتصاد مقاومتی و کاهش وابستگی به نفت: درس‌هایی از تجربه نروژ. مجله اقتصاد و تجارت نوین، ۱۵(۴)، ۵۶-۸۰.
- رحیمی، پوریا (۱۴۰۰)، بررسی رابطه حکمرانی متعالی و رشد اقتصادی.

- رشیدی، احمد، و موسوی، سید صالح (۱۳۹۸)، درآمد‌های نفتی و آثار متعارض آن بر رشد و توسعه اقتصادی در ایران و نروژ، فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، دوره دوم، شماره ۱، صفحات ۱۵۴-۱۸۰.
- رحمانی، تیمور، و فلاحتی، علیرضا (۱۴۰۱). تمرکززدایی و تأثیر آن بر کارایی اقتصادی در کشورهای نفتی. مجله برنامه‌ریزی و بودجه، ۲۷(۲)، ۳-۲۸.
- زارع، بهروز، و موسوی، سید صالح (۱۴۰۲). نقش شفافیت مالی در کاهش نفرین منابع: مطالعه موردی ایران. فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، ۱۱(۴۳)، ۱۲۷-۱۵۰.
- عسکری، محسن (۱۳۸۹)، تأثیر درآمد‌های نفتی بر ایجاد دولت رانتیر و دموکراسی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی شماره ۱۳، صفحات ۱۸۲-۱۹۶.
- فرزین، محسن، و شاکری، رضا (۱۴۰۰)، تأثیر نوسانات قیمت نفت بر سیاست‌های مالی ایران. مطالعات اقتصاد کلان ایران، ۱۷(۴)، ۳۳-۵۲.
- فرو، علی، رنجبر، مریم، و زمانی، احمد (۱۴۰۱). تحلیل اثربخشی سیاست‌های مالیاتی در کاهش وابستگی به درآمد‌های نفتی: مطالعه موردی ایران. فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۱۱(۴۲)، ۸۹-۱۱۵.
- کمپجانی، اکبر، و سلاطین، پروانه (۱۳۸۷)، تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب *OPEC* و *OECD*، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال دوم، شماره ۲، صفحات ۱-۲۴.
- معبودی، رضا، و نادمی، یونس، و دره نظری، زینب (۱۴۰۱)، نفرین منابع و مالی سازی در اقتصاد ایران، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، دوره ۱۱، شماره ۴۲، صفحات ۱۲۷-۱۵۹.
- موسوی، حسین، و رشیدی، مرتضی (۱۳۹۸)، بررسی تطبیقی مدیریت درآمد‌های نفتی در ایران و نروژ، پژوهش‌های سیاست‌گذاری اقتصادی، ۱۹(۳)، ۱۲۳-۱۴۱.
- نادری، بهرام، احمدیان، علی، و کرمانی، فرزاد (۱۴۰۱)، درآمد‌های نفتی و تأثیر آن بر فساد دولتی: مطالعه موردی ایران، مجله تحلیل‌های اقتصادی، ۱۲(۲)، ۷۷-۹۴.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۲). بررسی عملکرد صندوق ذخیره ارزی ایران و مقایسه آن با نروژ. گزارش شماره ۱۸۰۵۶. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- کمیسون اصلاحات اقتصادی (۱۴۰۳). سند راهبردی تنوع‌بخشی اقتصادی و کاهش وابستگی به نفت. تهران: انتشارات وزارت امور اقتصادی و دارایی.

بانک جهانی. (۲۰۲۳). *شاخص‌های حکمرانی*. قابل دسترسی در [World Bank Website](www.worldbank.org)

بانک مرکزی ایران. (۱۴۰۱). *گزارش‌های اقتصادی*. قابل دسترسی در [Central Bank of Iran Website](www.cbi.ir)

References

Mehlum, Halvor., Moene, Karl., & Torvik, Ragnar. (2006). *Institutions and the resource curse*. The Economic Journal, 116(508), 1-20.

Bjorvatn, K., & Farzanegan, M. R. (2013). **Resource rents, balance of power, and political stability**. Journal of Peace Research, 50(6), 777-791.

Collier, P., & Goderis, B. (2012). **Commodity prices and growth: An empirical investigation**. European Economic Review, 56(6), 1241-1260.

Sejersted, F. (2010). **The Norwegian petroleum experience: A model for others?**. Oslo: Universitetsforlaget.

Smith, J. (2022). **Sovereign wealth funds and fiscal rules: Lessons from Norway**. Energy Policy, 160, 112765.

Sachs, Jeffrey D., & Warner, Andrew M. (2001). *The curse of natural resources*. European Economic Review, 45(4-6), 827-838.

IMF. (2020). **World Economic Outlook: ...** Washington, DC: International Monetary Fund.

Ross, M. L. (2012). **The Oil Curse: How Petroleum Wealth Shapes the Development of Nations*.

Norges Bank. (۲۰۲۳). **Government Pension Fund Global*.

World Bank. (2023). *World Development Indicators 2023*. Washington, DC: World Bank.

Transparency International. (2022). *Corruption Perceptions Index 2022*. Transparency International. Retrieved from

<https://www.transparency.org/en/cpi/2022>

OECD. (2023). *Government at a Glance 2023*. OECD Publishing. Retrieved from

<https://www.oecd.org/governance/government-at-a-glance/>

[Petroleum industry in Iran]

(https://en.wikipedia.org/wiki/Petroleum_industry_in_Iran)

[Iran Crude Oil: Exports, 1980 – 2024]

(<https://www.ceicdata.com/en/indicator/iran/crude-oil-exports>)

[Iran's fossil fuels industry select information 2022]

(<https://www.statista.com/statistics/1041115/selected-figures-on-fossil-fuels-in-iran/>)

[International Energy Analysis – Iran]

(https://www.eia.gov/international/content/analysis/countries_long/iran/)

[Economic data for Iran's crude oil exports]

(<https://fred.stlouisfed.org/series/IRNNXGOCMBD>)

